

**رئیس‌جمهور در همایش خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران:**

## قرار است تصمیم‌های سختی بگیریم

رئیس‌جمهور با بیان اینکه قرار است در کشور تصمیم‌های سختی بگیریم، گفت: شاید برخی موافق نباشند اما این نگاه نقادانه ما را به افق روشنی که پیش‌روی اقتصاد است رهنمود می‌کند. سید ابراهیم رئیسی در همایش نخستین رویداد بین‌المللی خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران، اظهار کرد: امیدوارم این همایش راه را برای تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری را استفاده از تجربیات گذشته فراهم کند. برای فعالان اقتصادی، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه کاری که تاکنون انجام شده روشن است، اما با نگاه نسبت به چیزی که انجام شده یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. وی ادامه داد: برای همگان روشن است که اقتصادی که حدود ۸۰ درصد آن دولتی است مشکلات زیادی دارد. همچنین برای همگان روشن است که باید بر اساس قانون اساسی عمل کنیم و در قانون اساسی بر اصل ۴۴ تأکید شده است. رئیسی با اشاره به برنامه‌های توسعه اظهار کرد: در همه برنامه‌های توسعه تأکید شده است که دولت نباید متصدی باشد بلکه باید هدایتگر، نظارتگر و حمایتگر باشد و چنانچه دولت بخواهد موفق شود باید در این سه مورد عمل کند نه در دخالت‌ها و

تصدی‌گری‌ها. وی با بیان اینکه چه باید عمل می‌شد و چه شد، تفاوت بین آنچه باید باشد و آنچه که هست محسوب می‌شود، اظهار کرد: همین موضوع ما را راهنمایی می‌کند که چه کاری را باید انجام داد. دولت نباید متصدی باشد که حمایت مالی و حقوقی کند.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه بازنگری به تابلوی خصوصی‌سازی به اینکه چه باید کرد کمک می‌کند، تصریح کرد: این فرایند کمک می‌کند که اشکال در ساختارها بوده یا در رفتارها؛ اگر اشکال در ساختار باشد هرچقدر هم که مدیران تغییر کنند اتفاقی نخواهد افتاد اما اگر مشکل رفتارها باشد رفتارها باید اصلاح شوند. باید بررسی شود که آیا ساختار درست چیده شده است یا خیر و متناسب با این مأموریت باید به این سؤال که چرا سیاست اصل ۴۴ قانون اساسی آن چنان که مورد نظر سیاست‌گذار بود عمل نشده پاسخ داد. باید از همه صاحب‌نظران و سرمایه‌گذاران سؤال کرد که آیا موفق هستند یا خیر؟ وی در ادامه گفت: هدف بافشاری ر سیاست ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد مقاومتی و میدان واقعی دادن به بخش خصوصی است؛

**حکومت چین به برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان ادامه می‌دهد**

## جنایت کمونیستی

آمده است، به ایوک‌تایمز می‌گوید: «برداشت اجباری اعضای بدن سال‌ها در سراسر چین در مقیاس قابل‌توجهی انجام شده است و تمرین‌کنندگان قانون گونگ یکی از منابع تأمین اعضای بدن و احتمالاً منبع اصلی بوده‌اند». از آنجا که برداشت اجباری اعضای بدن همچنان ادامه دارد، دادگاه آن را نسل‌کشی تشخیص داد. او می‌افزاید: «برای فالون گونگ، جنایت نسل‌کشی به‌وضوح مشخص شده است. این شامل «کشتن اعضای گروه» و «ایجاد آسیب جدی جسمی یا روانی به اعضای گروه» است. دکتر «انور توهتی بوگدا» جراح سرطان‌شناس، ماجرابی را تعریف می‌کند که در سال ۱۹۹۵ اتفاق افتاد و در آن از سوی حکومت چین به او دستور داده شد تا برداشت اعضای بدن افراد زنده را انجام دهد. بوگدا ماجرا را این‌گونه به یاد می‌آورد: «چاقوی من راه خود را پیدا کرد و پوست او را برید، خون دیده شد. دلالت بر این داشت که هنوز قلبش خون را پمپاژ می‌کرد، زنده بود! جراح ارشد با زمزمه به من گفت: عجله کن! که حرف او فرمان بود و همچنین احساس می‌کردم این نوعی اطمینان‌بخشیدن بود که به دستور او این کار را انجام دادم». کل جراحی حدود ۴۰٫۳۰ دقیقه طول کشید، جراحان ارشد با خوشحالی اعضای بدن را جمع‌آوری کردند. سپس یکی از آنها به بوگدا گفت: «حالا تیمت را به بیمارستان بگردان. یادت باشد امروز هیچ اتفاقی نیفتاد». متیو رابرتسون از دانشگاه ملی استرالیا یکی از نویسندگان کتاب «اعدام توسط سرقت اعضای بدن: نقض قانون اهداکننده اعضای فرد مرده در چین» است که در مجله آمریکایی پیوند عضو منتشر شده است. رابرتسون می‌گوید که او و تیمش هزاران مقاله پزشکی به زبان چینی را بررسی کردند. او می‌گوید: «از این تعداد، ۷۱ مقاله توصیف صریحی از جراحی‌ان ارانه می‌دهند که به‌نظر می‌رسد هنگام تهیه قلب از زندانیان، قانون اهداکننده مرده را نقض می‌کنند. به زبان ساده، اوراق نشان می‌دهد که اهداکنندگان، زندانی بودند که در زمان جراحی زنده بودند و توسط جراحان پیوند در روند خارج‌کردن قلب کشته شدند. این یافته‌ها نشان‌دهنده یک همکاری منحصربه‌فرد و طولانی‌مدت بین تأسیسات پزشکی جمهوری خلق چین و سیستم امنیت عمومی آن است. علاوه بر این، به احتمال زیاد بسیاری از این اعضای پیوندی از بدن زندانیان سیاسی انجام شده است. این باعث می‌شود جراحان PRC که بسیاری از آنها در غرب آموزش دیده‌اند، در قتل‌های غیرقانونی پزشکی شرکت کنند.

**درخواست برای توقف جنایت**

پروفسور رابرت دسترو معاون سابق وزیر امور خارجه آمریکا

شکنجه و قتل مخالفان حزب کمونیست چین به شیوه‌ای هولناک ادامه دارد و پس از گزارش‌های متعدد رسانه‌ای درباره قاچاق اعضای بدن انسان از سوی حکومت چین، این بار یک کمیسیون حقوق بشر دو حزبی در ایالات متحده، خواستار توقف این اقدامات شده است. کمیسیون حقوق بشر تام لاتنوس (TLHRC)، یک گروه دو حزبی در مجلس نمایندگان ایالات متحده اخیراً میزبان جلسه‌ای در ارتباط با برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان در چین بود، عملی شنیع که سال‌هاست با مجوز حزب کمونیست چین عمدتاً در بیمارستان‌های ارتش، زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری علیه زندانیان عقیدتی انجام می‌شود و قربانیان در این روند به قتل می‌رسند. نماینده بیلیراکیس یکی از اعضای TLHRC می‌گوید: «این عمل برداشت اجباری اعضای بدن علیه گروه‌های قومی و مذهبی مختلفی مانند اویغورها، تبتی‌ها، مسلمانان و مسیحیان انجام شده است، به‌ویژه تمرین‌کنندگان قانون گونگ هدف حزب کمونیست چین بوده‌اند». فالون گونگ یا فالون دافا تمرینی معنوی و مدیته‌شنی باستانی است که ۳۰ سال پیش در چین به عموم معرفی شد و محبوبیت گسترده‌ای در بین مردم چین پیدا کرد؛ به‌طوری‌که پس از گذشت هفت سال بیش از ۱۰۰ میلیون نفر آن را تمرین می‌کردند. حزب کمونیست چین از محبوبیت گسترده حالی که در زندان‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری و بازداشتگاه‌های چین نگه داشته می‌شوند.

**شهادت شاهدان**

«سر جنری نایس کیوسی» دادستان ارشد سابق دادگاه کبفری بین‌المللی سازمان ملل در بررسی جنایت در جنگ بالکان با استناد به نتیجه‌ای که توسط دادگاه مستقل مربوط به چین به دست

**ادامه از صفحه اول**

## مجلس شورای اسلامی؛ «ملی؟»<sup>۲</sup>

...چون هیچ پشتوانه پایدار و قابل اتکایی ندارند که

توانند در همین جایگاه باقی بمانند. سیاست‌ورزی باندی و تشکیلاتی در چنین فضایی بیش‌ازپیش رشد می‌کند و سیستم را به نابودی می‌کشاند. گاه زمینه پدیدآمدن فرقه می‌شود و گاه زندگی سیاسی حزلونی را دامن می‌زند.

۴- می‌توان آرزو کرد که سیاست‌ورزی باندی و تشکیلاتی از جنس «پوسته حلزونی» باشد و به فرقه‌گرایی نیبجامد. سیاست‌ورزی حلزونی بیچ‌دریج است و روی به درون دارد. چنین فرایندی سبب می‌شود که یک گروه آن‌قدر به دور خود بپیچد که هیچ منفذ ورودی و خروجی برایش باقی نماند. توان ارتباط با بیرون از خود را ندارد. زبان، فهم و حتی شنیدن هم در این حلقه ماریجی گرفتار است. نه می‌تواند دیگری را بفهمد و نه خود را بفهماند. حتی سستی پوسته خود در نیز درگ نمی‌کند. از شدت و ضعف خود بی‌خبر است. دلخوش به پوسته خویشن است و آن را «حصن حصین» می‌پندارد. اگران پوسته به‌طور درخورتوجهی شکسته شود، حلزون می‌میرد. ترک‌هایی که از طریق «رشد» بر این پوسته ظاهر می‌شوند خطرناک‌اند؛ چون از راه تغذیه بیشینه مواد فاسد و سرعت رشد شدید پدید آمده‌اند. حلزون‌ها دوست دارند غذای فاسدشده را بخورند که مملو از باکتری است. آنها سیستم عصبی ساده‌ای دارند؛ ازاین‌رو توانایی پردازش اطلاعات عاطفی را ندارند؛ بنابراین رنج را تجربه نمی‌کنند؛ گویی سرخوش به خلسه اندیشه‌ای خوششان‌اند. حلزون‌ها نمی‌توانند بشنوند و صداها را از طریق ارتعاشات تشخیص می‌دهند. در نتیجه صداها برای آنها گنگ و هراس‌انگیز است و آنان را بیشتر به حلقه مارپیچ خود فرومی‌برد. حلزون‌ها ممکن است جوی مروراندی‌های باورزنی باشند که

چراکه بسیاری از اوقات گفته می‌شود خصوصی‌سازی صورت گرفته، اما دولت با تابلو یا بی‌تابلو حضور دارد که نمونه آن واگذاری به سازمان تأمین اجتماعی، برخی بانک‌ها و برخی شهرداری‌هاست که این موضوع تداوم تصدی‌گری دولت با عناوین دیگر محسوب می‌شود. رئیسی ادامه داد: اگر بخش خصوصی اعلام کرد که فضا برای فعالیت قابل پذیرش است ایرادی ندارد، اما اگر اعلام کند میدان برای این بخش وجود ندارد این ایراد دارد.

وی با تأکید بر اینکه رشد اقتصادی دو پایه افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری دارد تصریح کرد: باید دید چه کنیم که سرمایه‌گذار احساس امنیت کند. این موضوع نه فقط در قراردادها بلکه در عمل و اجرا هم باید اعمال شود. پس از آنکه کار‌خانه واگذار می‌شود دولت بخش خصوصی را رها می‌کند در حالی که تازه در آن زمان وظیفه دولت شروع می‌شود و باید در کثرت یک ناظر و حامی وارد عمل شود؛ بنابراین سازوکار متناسب با این نگاه باید تنظیم شود. عدم موفقیت واحدی که به بخش خصوصی واگذار شده است پیام خوبی ندارد و باید دید که چه کنیم پیام‌های

منفی به پیام‌های مثبت تبدیل شود. رئیس‌جمهور ادامه داد: ما دنبال عبرت‌گرفتن هستیم. باید با عبرت‌گرفتن از گذشته، آینده را ترسیم کرد چه در حمایت از بخش خصوصی و چه در توانمندسازی این بخش. از طرف دیگر نباید دچار افراط و تفریط شویم؛ نگاه باید واقعی باشد و باید‌ها و نبایدها را در این رابطه تنظیم کرد. بر این باید‌ها و نبایدها نیز همه باید ملتزم باشند و بیش از همه دولتمردان باید ملتزم باشند. وی با بیان اینکه برخی گمان می‌کنند اگر یک خصوصی‌سازی دچار مشکل شود کل فرایند باید متوقف شود، گفت: این موضوع درست نیست بلکه این کشتی باید اصلاح شود و در این راستا باید از دانشگاه‌ها و فعالان اقتصادی به عنوان بازار کمک گرفته شود. این موضوع مورد تأکید بنده است که هر کسی صاحب‌نظر محسوب می‌شود اما نظرش با ما متفاوت است حتما ابراز کند تا به نقطه مشترک برسیم. رئیسی با بیان اینکه قرار است در کشور تصمیم‌های سختی بگیریم، اظهار کرد: شاید برخی موافق این موضوع نباشند، اما اگر با نگاه نقادانه به کارها نگاه کنند اشکالی ندارد، ما را رهنمود می‌کند به افق روشنی که پیش‌روی اقتصاد است.



جزیئات جنایت‌آمیز را که ما پیدا کرده‌ایم سانسور کنند».

متیو رابرتسون، یکی از همکاران مطالعات چین در بنیاد یادبود قربانیان کمونیسم است که یکی از نویسندگان این تحقیق است. او می‌گوید این رویداد شاید این احتمال را مطرح کند که پزشکان چینی انجام این عمل را متوقف کرده باشند، اما بسیار محتمل‌تر است که آنها پنهان‌کارت‌ر شده‌اند. او به یک گزارش تحقیقاتی در سال ۲۰۱۴ اشاره می‌کند که توسط سازمان جهانی بررسی آزار و شکنجه فالون گونگ (OIPFG) برای اولین بار جزیئات هشداردهنده‌ای را در مقالات پزشکی چین آشکار کرده بود، از جمله تعداد زیادی از دهنندگان عضو در شرایط اولیه سالم و نحوه عملکرد بیمارستان‌ها و حجم عمل‌های بسیار زیاد پیوند در طول فقط یک روز. رابرتسون که پیش‌تر به عنوان خبرنگار فعالیت می‌کرد، می‌گوید که سیاست‌گذاران پزشکی در چین احتمالاً گزارش فوق را مورد توجه قرار داده‌اند و به همه مجلات گفته‌اند که انتشار چنین جزئیاتی را متوقف کنند. دو سال پیش، رابرتسون و لاوی دریافتند که مجموعه‌داده‌های اهدایی رسمی چین دقیقاً با یک فرمول ریاضی مطابقت دارد که نشانه‌ای از این است که رژیم چین به‌طور سیستماتیک داده‌های اهدای عضو خود را جعل کرده است. سازمان جهانی بررسی آزار و شکنجه فالون گونگ در طول همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰ صدها تماس تلفنی مخفیانه با بیمارستان‌های چین برقرار کرده بود که طی آن برخی از پزشکان قول تأمین عضو پیوندی به سرعت در عرض یک هفته را دادند. به گفتهٔ این گروه، زمان تأمین غیرمعمول و سریع که حتی در کشورهای دیگر با سیستم‌های اهدای عضو شناخته‌شده دیده نشده است، نشان می‌دهد که پکن همچنان به این رویه وحشتناک ادامه می‌دهد.

چین قرار دارند، هدف اصلی برداشت عضو هستند. این دادگاه که به‌عنوان «دادگاه چین» شناخته می‌شود، ادعاهای رژیم چین مننی بر این را که از سال ۲۰۱۵ همه اعضای پیوندی از یک سیستم رسمی اهدای عضو تأمین می‌شد، رد کرده است. **دود لوله تفنگ** «ژاکوب لاوی» پزشک و یکی از نویسندگان مشارکت‌کننده در این تحقیق گفته این اولین تحقیق در نوع خود است که «دود لوله تفنگ» را کشف می‌کند که ثابت می‌کند پزشکان در چین مردم را به خاطر اعضای بدنشان می‌کشند. در نشریات چینی که توسط این تحقیق بررسی شده بود، پزشکان، زندانیانی را که روی آنها عمل برداشت عضو انجام می‌دادند، مرگ مغزی اعلام کردند، اما اطلاعات دیگری که در همان مقالات فاش شده نشان می‌داد که این‌طور نبوده است. تأیید مرگ مغزی یک فرایند طولانی است که معمولاً ساعات‌ها طول می‌کشد و یک مرحله مهم شامل خاموش‌کردن و تنبیل‌اتور است برای ارزیابی اینکه آیا بیمار می‌تواند به تهایی نفس بکشد یا خیر. اما در این مقاله توضیح داده شده است که پس از اعلام مرگ مغزی ادعایی، یا بلافاصله قبل از جراحی، هنوز لوله اکسیژن وصل بوده است. در برخی موارد، فرد مورد نظر ماسک به صورت داشته که نشان می‌داد هیچ ارزیابی‌ای از مرگ مغزی صورت نگرفته است. لاوی به ایوک‌تایمز می‌گوید: «آنها اعضای بدن را از افرادی که مرده اعلام نمی‌شوند تهیه کرده‌اند، به این معنی که آنها سلاخی شده‌اند.» لاوی گفت که به نظر می‌رسد این یافته‌ها پذیرش تلویحی و تصادفی این جنایات از جانب پزشکان چینی باشد. «به نحوی هم نویسندگان و هم ویراستاران در مجلات پزشکی مربوطه فراموش کرده‌اند که این

## سرابی به نام بهره‌وری در ایران

نهاد مستقل وظیفه خود را عمدتاً مربوط به «تفکر بلندمدت» می‌داند، درحالی‌که دولت‌ها به دلیل محدودیت منابع و همچنین فشار کوتاه‌مدت به‌طور فراینده‌ای قادر به مشارکت در آن نیستند؛ بنابراین با این شرایط نهاد مستقل کمتر در معرض فشار منافع شخصی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، آن دسته از نهاد‌هایی که از یک طرف در داخل دولت و به‌ویژه در دولت مرکزی قرار دارند و از طرف دیگر جایگاه مناسبی هم در ارکان بوروکراتیک داشته باشند می‌توانند وظایف بسیار مفیدی از جمله مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری و اعتباربخشیدن به کیفیت تحلیل اقتصادی انجام دهند. متأسفانه در ایران از هیچ‌کدام از این مزیت‌ها در این زمینه تاکنون استفاده نشده است و همان‌طوره گفته شده با این جایگاه سازمانی، سازمان بهره‌وری بی‌اثر شده و خاصیت زینت‌المجالس به خود گرفته است و تودرتوی بوروکراتیک دولتی سردرگم بوده است. مسئله بعدی موضوع سیاست‌گذاری بهره‌وری است. وقتی صحبت از بهره‌وری می‌شود، هیچ راه‌حل ی‌کسانی در دنیا وجود ندارد. نظام‌های حقوقی و ساختاری مختلف راه‌حل‌های بسیار متفاوتی را از نظر عملکرد کلی حاکمیت، فرایند و میزان شفافیت و مشارکت ذی‌نفعان اتخاذ می‌کنند. دراین‌باره تصویری که به دست می‌آید این است که ساختار یعنی زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم است و اقتصاد‌های مختلف ممکن است ترتیبات خاصی را مناسب‌تر از سایرین بیابند. این به نوبه خود به این معنی است که «داستان‌های موفقیت‌آمیز دنیا» مانند کمسیون بهره‌وری استرالیا یا شورای مشاوران اقتصادی آمریکا، به‌راحتی از یک سیستم اقتصادی به سیستم دیگر منتقل نمی‌شوند. واضح‌ترین مثال در این زمینه، کمک‌های ارائه‌شده توسط کمیسیون بهره‌وری استرالیا به دولت‌هایی نیوزلند، مکزیک، شیلی و آرژانتین است که این کشورها مایل به ایجاد نهادهی مشابه استرالیا در کشور خود بودند اما از همان ابتدا مشخص شد که به دلایل مختلف هیچ‌یک از این کشورها نمی‌توانند دقیقاً مدل استرالیا را تکرار کنند. در نتیجه، نیاز شدیدی به انطباق ترتیبات نهادهی و حکومتی با فرهنگ حقوقی و سیاسی ملی وجود دارد. کیفیت سیاست‌گذاری به کیفیت نهاد متولی و راهبری بهره‌وری ارتباط مستقیم دارد. با توجه به ضعف مغرط نهادهی مرتبط با جایگاه سازمان بهره‌وری در ایران کیفیت سیاست‌گذاری بهره‌وری در ایران هم بسیار پایین است. برای این موضوع شاهد مدعا اسناد بالادستی و قوانین برنامه توسعه پنج‌ساله و قوانین بودجه است. در این باره موضوع بهره‌وری به شکل مستقیم برای اولین‌بار در قانون برنامه دوم توسعه در قالب تبصره ۳۵ مطرح شد و جامعه هدف از همان ابتدا دستگاه‌های اجرایی قرار گرفتند. به‌عبارتی نحوه ورود سیاست‌گذار و قانون‌گذار ایران به مقوله بهره‌وری در متون قانون‌گذاری به‌درستی نبوده است؛ چراکه سنجش بهبود بهره‌وری معمولاً از آخرین واحد اقتصادی یعنی کارگاه در اقتصاد شروع می‌شود و با بستر مناسب و سیاست‌گذاری مناسب از طرف حاکمیت رشد و نمو می‌کند. پس از تودین و اجرای چندین برنامه توسعه، در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ سیاست‌گذار کم‌کم متوجه شده است که ورود به عرصه

بهره‌وری باید از کارگاه اقتصادی شروع شود، ولی هنوز هم نتوانسته است بستر مناسب برای رشد و نمو را در سطح کلان و توسعه فراهم کند. در سطح کارگاه هم تاکنون الزامات علمی و اطلاعاتی این مهم در کشور فراهم نشده است. علاوه بر طراحی نهادی و جنبه‌های حاکمیتی، اثربخشی یک نهاد حامی بهره‌وری به میزان قابل‌توجهی به میزان تعبیه اصول حکمرانی خوب و مقررات بهتر در سیستم اقتصادی کشور مرتبط است. نهاد متولی بهره‌وری می‌تواند در تعداد که بخواهد توصیه‌های سیاستی صادر کند، اما پذیرش چنین توصیه‌هایی در دولت تا حد زیادی به ظرفیت دولت برای جذب و اجرای آنها و به تعهد سیاسی برای بیکیری این توصیه‌ها متکی است. در این زمینه طراحی راه‌اندازی یک سازمان بهره‌وری با طراحی خوب ولی احاطه‌شده توسط ادارات دولتی که فاقد شفافیت و ترتیبات پاسخ‌گویی، فاقد شیوه‌های مدیریت عمومی خوب و مهارت باشد، محکوم به ماندن در بیابان و هدردادن پول برای مالیات‌دهندگان و مردم کشور است. بدون یک اراده سیاسی قوی بعید است که نهادهای متولی راهبری بهره‌وری در چشم‌انداز سیاسی کلی شکوفا یا برجسته شوند. در حال حاضر در کنار نهاد بی‌اثر متولی بهره‌وری، اراده سیاسی عملی هم برای مقوله بهره‌وری در ایران وجود ندارد. با وجود ورود این عرصه به متون قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در کشور، عملکرد شاخص‌ها نشان می‌دهد فقط هدف‌گذاری برای رشد بهره‌وری، راه رسیدن به آن نیست و این مهم باید از طریق اصلاح ساختارها و سیاست‌های مناسب به وقوع بپیوندد که اصلاً این شرایط تاکنون فراهم نشده است. راه‌های مختلفی وجود دارد که یک نهاد متولی راهبری بهره‌وری را می‌توان در سطح دولت بااهمیت و تأثیرگذار کرد که از حوصله این یادداشت خارج است اما به برخی از دمدست‌ترین آنها می‌توان اشاره کرد:
- ارائه یک مبانی حقوقی و قانونی برای یک نهاد قوی متولی راهبری بهره‌وری در ایران
- انتصاب دانشگاهیان بسیار مشهور و متخصص به عنوان مسئول نهادهای تحقیقاتی یا شوراهای مشورتی بهره‌وری در دولت
- اجباری‌کردن تحقیق درمورد موضوعات خاص سیاست‌کارایی و بهره‌وری که توسط نهاد بهره‌وری به صورت شفاف و عمیق دنبال و تجزیه و تحلیل شود
- ارتقای جایگاه سازمان بهره‌وری در تراز سازمانی مؤثر در سیستم بورکراتیک کشور برای طراحی و ارزیابی سیاست‌های بهره‌وری
- به‌طورکلی برای اینکه به موضوع بهره‌وری به عنوان یک مقوله طرازاول سیاست‌گذاران نگاه شود، لازم است یک بازنگری کلی در شرایط نهادهی و سازمانی با توجه به شرایط اقتصاد ایران در سازمان ملی بهره‌وری، نحوه سیاست‌گذاری و اثربخشی و موضوع نظارتی آن انجام شود و اقتصاد ایران از سراب بهره‌وری که بیشتر و به انجام اصلاحات روبنایی در قالب قوانین و سیاست‌های بی‌اثر در این زمینه است، بیرون آید.